

در دلم بود که بی دوست نباشم هرگز

چه توان کرد که سعی من و دل باطل بود

جامعه علمی کشور به ویژه طیف عظیم روان‌شناسان ایران را هرگز گمان نبود که روزی جدای از استاد فرزانه و پیش‌کسوت دل‌آگاه و روشن‌بین خود به سر آرند و شام تاریک آنان به ماه تابان دانش و معرفت او فروزان نشود.

سرکار خانم دکتر دادستان را می‌گوییم که روزی در عرصه دانش نوپای روان‌شناسی قامت برافراشت که کس را سر و سودای پرداختن بدین گونه از علوم نبود. سالها استقامت ورزید و عاشقانه کوشید تا بذر درک این شاخه از دانش بشری را در سینه مشتاقان آینده‌نگر بیفشاند و امروز این درخت سترگ پر برگ و بار که خلقی کثیر از فرهیختگان این مملکت را دربرمی‌گیرد حاصل زحمات اوست.

و اکنون آن باغبان مهرپرور رخت از میان ما برکشیده است و در جوار حضرت حق آرمیده است. او را به عنوان پژوهشگر نمونه برگزیدند، کتابش را کتاب سال شناختند، چهره ماندگارش خواندند، اینها و بیش از اینها در خور شأن و مقام عالی علمی و انسانی او بود.

با این همه گمان می‌رود برجسته‌ترین بخش زندگانی آن استاد گرانمایه آن بود که صرف تحقیق، تدریس، تألیف و پرورش شاگردان گشت و کیست که بتواند در رشته روان‌شناسی اظهارنظری کند بی‌آن که از پشتیبانی معنوی او برخوردار باشد؟

از جمله خدمات برجسته و جاودان آن شادروان، ایجاد و سرپرستی فصلنامه روان‌شناسی تحولی (روان‌شناسان ایرانی) بود که در آغاز هشتمین سال انتشار از سرپرستی آن، مام‌مهربان محروم ماند. و اکنون بر شاگردان و همکاران اوست که آن قلم بر کاغذ مانده را بار دیگر بگیرند و به عنوان ادای دین در حد توان خویش در این راه به قلم و قدم و درم بکوشند و مقاله‌هایی مستند و کاربردی متناسب با فرهنگ اسلامی-ایرانی فراهم آورند و با نقد دلسوزانه و هدفمند در پیرایش و اصلاح یافته‌ها بکوشند و از یاد نبرند که تمام طبقه‌های اجتماعی از خردسالان، کودکان و نوجوانان گرفته تا سالمندان و کهن‌سالان، همه و همه به نحوی با این رشته و گرایش انسان‌ساز مرتبط و بدان دل بسته‌اند. این همه می‌طلبند تا فرهیختگان دانشگاهی و غیردانشگاهی از ارائه خدمات و ارشاد دریغ نوزند و پیوسته این گفتار گهربار سیدالساجدین و زین‌العابدین علیه‌السلام را پیش چشم و در خاطر دارند که «حق علمی استاد آن است که او را تعظیم کنی، مجلسش را محترم شماری، درست به گفتارش گوش دهی، به او توجه کنی، استاد را در تربیت علمی خود که به آن محتاجی کمک دهی، فکر را فارغ و ذهن را حاضر سازی، با چشم‌پوشی از لذتها و کاستن شهوتها قلب را پاک کنی و چشم را جلا دهی و بدانی که در آن درسها که به تو می‌آموزد پیک او هستی، با هر جاهلی برخوردی باید پیام استاد را نیکو به گوشش برسانی و چون این رسالت را به عهده گیری در ابلاغ آن و قیام به این وظیفه خیانت نوزی<sup>۱</sup>».

سردبیر

محمدکریم خداپناهی